

با پلمب یک عطاری دیگر در مشهد زنگ خطر سلامت شهر وندان به صد آمد

پلمب ۴۲۳ مرکز مداخله گر سلامت در ۵ سال

شهرآرا| ماجرا از یک تصمیم ساده شروع شد؛ تصمیمی که می توانست جان یک بیمار را به خطر بیندازد. این بیمار سال ها با دایبیت زندگی کرده بود و انسولین مصرف می کرد. با وجود اینکه او زیر نظر پزشک بود، و سوسه «درمان گیاهی» کار خودش را کرد. شنیده بود پودری که در یکی از عطاری های مشهد عرضه می شود، قند خون را معجزه آسا پایین می آورد؛ آن قدر که دیگر نیازی به انسولین نیست. او انسولین را قطع کرد و مصرف پودر به اصطلاح گیاهی را آغاز کرد. چندی بعد با درد شدید شکم راهی بیمارستان شد. بررسی های پزشکی از التهاب پانکراس و افزایش شدید قند خون حکایت داشت؛ عارضه ای که می توانست پیامدهای جبران ناپذیری برای او داشته باشد.

این فقط روایت یک بیمار نیست؛ نمونه ای از بازاری است که این روزها برخی مداخله گران در سلامت با وعده «درمان قطعی»، «بدون عارضه» و «کاملاً گیاهی» برای بیماران ساخته اند؛ بازاری که در آن گاهی آنچه با عنوان گیاه دارویی فروخته می شود، هیچ شباهتی به فراورده گیاهی ندارد.

- کشف داروهای گیاهی تقلبی

همین ماجرا، سرخ بازرسی مشترک کارگروه برخورد با مداخله گران حوزه سلامت شد؛ بازرسی ای که به کشف حقیقتی نگران کننده منجر شد. کارشناسان پس از نمونه برداری از پودرهایی که با عنوان داروی گیاهی دایبیت عرضه می شد، آن ها را به آزمایشگاه مرجع فرستادند. نتیجه آزمایش، شگفت آور بود. داخل این پودر ها نه ترکیبات گیاهی، بلکه داروی شیمیایی وجود داشت. در پی این کشف، واحد عطاری متخلف پلمب شد. سخنگو و مدیر روابط عمومی سازمان نظام پزشکی مشهد در این باره به خبرنگار شهرآرا گفت؛ نتیجه بررسی آزمایشگاه مرجع نشان داد پودری که به عنوان داروی گیاهی درمان دایبیت عرضه می شد، در واقع حاوی داروی شیمیایی سیاتگلیپتین بوده است؛ دارویی که مصرف آن باید فقط با تشخیص پزشک، در دز مشخص و تحت پایش درمانی انجام شود.

دکتر مسعود زحمتکش هشدار داد بزرگ ترین خطر اینجاست که بیمار تصور می کند از یک فراورده گیاهی استفاده می کند، درحالی که بدون اطلاع، داروی شیمیایی دریافت می کند؛ موضوعی که می تواند باعث تداخل دارویی، اختلال در کنترل قند خون، بروز عوارض جدی و حتی به خطر افتادن جان بیمار شود.

- ممنوعیت فروش داروهای دست ساز

وی با بیان اینکه تقلید عطاری ها نیز حدود و ثغور قانونی مشخصی دارد، تأکید کرد: عطاری ها فقط مجاز به عرضه گیاهان دارویی به صورت مفرد هستند و فروش داروهای شیمیایی، ترکیبات دست ساز، معجون های ناشناس یا فراورده های بدون مجوز، تخلف محسوب می شود.

زحمتکش با هشدار به عموم شهروندان افزود: فریب تبلیغات «درمان قطعی»، «معجزه آسا»، «بدون عارضه» و... را نخرید. این بازار مکاره ای است که عده ای سود جو به بهای بازی با جان و سلامت مردم برای کسب سود خود راه انداخته اند. دارو و درمان در همه دنیا مسیر مشخص دارد. سلامت شما محل آزمون و خطای افراد سود جو و مداخله گران در درمان نیست.

- این فقط یک پرونده نیست

معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی مشهد نیز از تشدید فعالیت تیم های نظارتی برای مقابله با مداخله گران حوزه سلامت خبر داد و گفت: کارگروه برخورد با مداخله گران حوزه سلامت با همکاری دستگاه های مسئول، به صورت مستمر مراکز عرضه دارو و مراکزی را که احتمال مداخله غیرمجاز در امور درمان در آن ها وجود دارد، رصد و بازرسی می کند. دکتر رضا گلدوزیان با اشاره به آمار فعالیت این کارگروه می گوید: این کارگروه از آذر ۱۴۰۰ فعالیتش را آغاز کرده و تاکنون بیش از ۱۵۴۲ مورد گزارش را رصد، صحت سنجی و پیگیری کرده که حاصل آن پلمب ۴۲۳ مرکز مداخله گر سلامت در زمینه های مختلف چون داروهای گیاهی، طب سنتی، عمل های زیبایی و... بوده است.

وی درباره پرونده پلمب عطاری متخلف توضیح داد: پس از دریافت گزارش و صحت سنجی، پلمب این مرکز در دستور کار قرار گرفت. در بازرسی از این واحد، نمونه های کشف شده برای بررسی به آزمایشگاه مرجع ارسال شد و پس از تأیید وجود داروی شیمیایی در فراورده ای که با عنوان داروی گیاهی عرضه می شد، اقدامات قانونی انجام شد. گلدوزیان تأکید کرد که سلامت مردم خط قرمز نظام سلامت است و هر فرد یا مرکزی که با عرضه داروهای فاقد مجوز یا مداخله غیرقانونی در درمان، جان بیماران را به خطر بیندازد، با برخورد قانونی روبه رو خواهد شد.

- داروی گیاهی بی خطر نیست

وی با اشاره به اینکه گیاهی بودن به معنای بی خطر بودن نیست و هر محصولی که با این عنوان عرضه می شود، الزماً منشأ گیاهی ندارد، بیان کرد: این باور که داروی گیاهی بی ضرر است و عارضه ندارد، باور غلطی است که متأسفانه عده ای سود جو تمایل دارند آن را جا بیندازند. حتی در برخی موارد سود جویان به اسم داروی گیاهی و در پس یک پودر بی نام و نشان، دارویی شیمیایی که تجویز آن باید زیر نظر پزشک و با سنجش همه عوارض و وضعیت بیمار انجام شود، عرضه می کنند؛ داروهایی که مصرف خودسرانه آن می تواند هزینه ای بسیار سنگین تر از یک بیماری مزمن به همراه داشته باشد.

گلدوزیان همچنین هشدار داد: مرجع علمی و قانونی برای تجویز داروهای گیاهی و درمان های مبتنی بر طب سنتی پزشکان دارای تخصص تخصص طب سنتی و همچنین پزشکان عمومی دوره دیده در این رشته هستند که دارای تابلو نظام پزشکی، مجوز فعالیت و شماره نظام پزشکی هستند. بیماران با خاطری آسوده می توانند به این گروه از پزشکان مراجعه کنند.

وی تأکید کرد: تنها مسیر تهیه دارو و حتی داروهای گیاهی، داروخانه های مجاز است و باید داروهای مورد نیاز خود را فقط با تجویز پزشک و از مراکز مجاز تهیه کنند. همچنین شهروندان در صورت مشاهده عرضه دارو یا فراورده های مشکوک در عطاری ها یا هر مرکز غیرمجاز دیگری، موضوع را از طریق سامانه ۱۹۰ وزارت بهداشت گزارش دهند.

پلیس به درخواست یک مادر، فرزندش را به اتهام نزاع و تهدید دیگران دستگیر کرد

و به مرکز روانی تحویل داد

شرارت؛ ارثیه سیاه پدر برای پسر

سعید جلائیان

- گزارش

روز گذشته، در یکی از روزهای گرم سال، زنی میان سال با قدم های لرزان وارد کلانتری خواجه ربیع شد. او پس از ورود به کلانتری، نگاهی به مأموران انداخت و مستقیم به سوی یکی از افسران رفت. زن مقابل افسر پلیس که روی صندلی نشسته بود، ایستاد و پرسید: «مادر، من را یادت می آید؟» پیش از آنکه مأمور پاسخ دهد، زن ادامه داد: «من پیش از این بارها به اینجا آمده ام تا برای شوهر و پسرم از دیگران رضایت بگیرم. همین امسال هم فکرمی کشم سه بار به این کلانتری آمده ام تا از افرادی که پسرم آن ها رازده بود، با التماس رضایت بگیرم.» زن میان سال هنوز جمله اش را به پایان نرسانده بود که شروع به گریه کرد. پس از آنکه کمی آرام شد، او را به اتاق رئیس کلانتری هدایت کردند.

زن پس از ورود به اتاق، خطاب به رئیس گفت: من هنوز داغ دار شوهر هستم. پنجاه روز از مرگش نگذشته است که پسرم می گوید می خواهد من را از خانه بیرون کند. فکر می کنید چرا؟ چون به او می گویم روی مردم و همسایه ها شمشیر نکش، شیشه خانه ها را نشکن و خودروهای مردم را خط ننداز.

پس از ثبت اظهارات اولیه این زن و باتوجه به اینکه مأموران پسر او را که «وحید» نام داشت و به طور کامل می شناختند، سرهنگ علیبرزنونی، رئیس کلانتری خواجه ربیع، با صدور دستوراتی تخصصی از مأمورانش خواست به صورت ویژه رسیدگی به این پرونده را برعهده بگیرند. در آغاز رسیدگی به این پرونده، زن میان سال مقابل مأموران نشست و درباره زندگی اش گفت: من و شوهرم با هم نسبت فامیلی داشتیم. پدرم می دانست شوهرم مشکلات روحی دارد و خیلی اهل دعوا و مرافعه است. با این حال من را در

پس از ثبت اظهارات اولیه این زن و باتوجه به اینکه مأموران پسر او را که «وحید» نام داشت و به طور کامل می شناختند، سرهنگ علیبرزنونی، رئیس کلانتری خواجه ربیع، با صدور دستوراتی تخصصی از مأمورانش خواست به صورت ویژه رسیدگی به این پرونده را برعهده بگیرند. در آغاز رسیدگی به این پرونده، زن میان سال مقابل مأموران نشست و درباره زندگی اش گفت: من و شوهرم با هم نسبت فامیلی داشتیم. پدرم می دانست شوهرم مشکلات روحی دارد و خیلی اهل دعوا و مرافعه است. با این حال من را در

ابوعطا| در سال های اخیر استفاده از دوچرخه به عنوان وسیله نقلیه سبک و سالم در بین افراد جامعه مورد استقبال بیشتری قرار گرفته است. هر روز می شود افراد زیادی را دید که سوار بر دوچرخه به سمت مقاصد خود در حرکت اند، اما کودکان و نوجوانان بیشتر از دیگر اقشار با دوچرخه و دوچرخه سواری مانوس هستند. بررسی آمار اورژانس مشهد نشان می دهد که همین گروه ۵۰ درصد حادثه دیدگان تصادف با دوچرخه رل تشکیل می دهند. رئیس مرکز اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه در گفت وگو با خبرنگار شهرآرا اعلام کرد که در سال گذشته ۲ هزار و ۵۳۱ مأموریت مرتبط

با حوادث استفاده از دوچرخه در مأموریت های اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به ثبت رسیده است. دکتر علی یزدانی افزود: بررسی این اطلاعات و نیازآمار به دست آمده از مطالعات مختلف نشان می دهد که در تصادف دوچرخه سواران، س و صورت بسیار آسیب پذیر است و تعداد و شدت این آسیب ها با استفاده از کلاه ایمنی کاهش می یابد. وی ادامه داد: وضع قوانین شفاف و پیشگیرانه و بهبود امکانات مربوط به دوچرخه سواری باعث افزایش استفاده از دوچرخه، به عنوان یک وسیله حمل و نقل مناسب خواهد شد و هم زمان در کاهش حوادث مرتبط با دوچرخه مؤثر خواهد بود.

این کارهایش دست می کشد. این جمله را نمی دانم درست است یا نه، اما در مورد شوهر من سازگار نبود. شوهر من تا اواخر زندگی اش، یعنی در سن شصت سالگی، راستش را بخواهید، شوهر من یکی از اراذل و اوباش منطقه بود. در اوج جوانی، خودش را پهلوان می دانست، اما هر روز با یکی دعوا می کرد. در این سال ها هر جا زندگی می کردیم، همسایه ها از ما فراری بودند و برخی که در خیابان جواب سلام ما را می دادند، از روی ترس بود. نتیجه ازدواج ما دو پسر و یک دختر شد. خدا را شکر می کشم که پسر بزرگم برخلاف شوهرم آدم حساسی شد. او برخلاف پدرش بود. پسرم تحصیل کرد و مسیر زندگی اش را از ما جدا کرد. برخلاف او، پسر دومم مثل پدرش شد. شوهرم وقتی دید پسر بزرگش با اوتفاوت است، دومین پسرمان را خودش تربیت کرد. البته وحید از کودکی عصبی بود. خیلی ها به من می گفتند او مشکلات روانی دارد و باید تحت درمان قرار بگیرد. وقتی شوهرم این را شنید، با همه آن ها درگیر شد؛ به طوری که دیگر کسی جرئت نکرد بگوید وحید دیوانه است.

- شوهرم پس از شکست در ۳دعوا، دق کرد زن در ادامه گفت: پسر ارشدم تحصیلات تکمیلی دارد و به دانشگاه رفت، اما

وحید فقط شش کلاس سواد دارد. او در دوره ابتدایی چندین بار به علت دعوا در مدرسه اخراج شد. شوهرم اولین بار وحید را دعوا کرد، اما دفعات بعد او را به دلیل زن بیجه های دیگر تشویق می کرد. وحید ترک تحصیل که کرد، عصبی تر شد؛ هرچند تا پدرش زنده بود، در خانه چندان عرض اندام نمی کرد و همه چیز تحت کنترل بود. والدین من حدود شش سال پیش از دنیا رفتند. وقتی با آن ها درددل می کردم، همیشه به من می گفتند تحمل کن. پدرم می گفت مرد ها از سن چهل سالگی به بعد عاقل می شوند و او هم بالاخره از

براساس آمار اورژانس، سال گذشته ۲۵۳۱دوچرخه سوار در مشهد بر اثر حادثه مصدوم شده اند

روزی ۶دوچرخه سوار تصادف می کنند

رئیس اورژانس مشهد: ۵۰درصد حادثه دیدگان در گروه سنی ۱۰تا ۲۰سال هستند

ابوعطا| در سال های اخیر استفاده از دوچرخه به عنوان وسیله نقلیه سبک و سالم در بین افراد جامعه مورد استقبال بیشتری قرار گرفته است. هر روز می شود افراد زیادی را دید که سوار بر دوچرخه به سمت مقاصد خود در حرکت اند، اما کودکان و نوجوانان بیشتر از دیگر اقشار با دوچرخه و دوچرخه سواری مانوس هستند. بررسی آمار اورژانس مشهد نشان می دهد که همین گروه ۵۰ درصد حادثه دیدگان تصادف با دوچرخه رل تشکیل می دهند. رئیس مرکز اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه در گفت وگو با خبرنگار شهرآرا اعلام کرد که در سال گذشته ۲ هزار و ۵۳۱ مأموریت مرتبط

با حوادث استفاده از دوچرخه در مأموریت های اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به ثبت رسیده است. دکتر علی یزدانی افزود: بررسی این اطلاعات و نیازآمار به دست آمده از مطالعات مختلف نشان می دهد که در تصادف دوچرخه سواران، س و صورت بسیار آسیب پذیر است و تعداد و شدت این آسیب ها با استفاده از کلاه ایمنی کاهش می یابد. وی ادامه داد: وضع قوانین شفاف و پیشگیرانه و بهبود امکانات مربوط به دوچرخه سواری باعث افزایش استفاده از دوچرخه، به عنوان یک وسیله حمل و نقل مناسب خواهد شد و هم زمان در کاهش حوادث مرتبط با دوچرخه مؤثر خواهد بود.

این کارهایش دست می کشد. این جمله را نمی دانم درست است یا نه، اما در مورد شوهر من سازگار نبود. شوهر من تا اواخر زندگی اش، یعنی در سن شصت سالگی، راستش را بخواهید، شوهر من یکی از اراذل و اوباش منطقه بود. در اوج جوانی، خودش را پهلوان می دانست، اما هر روز با یکی دعوا می کرد. در این سال ها هر جا زندگی می کردیم، همسایه ها از ما فراری بودند و برخی که در خیابان جواب سلام ما را می دادند، از روی ترس بود. نتیجه ازدواج ما دو پسر و یک دختر شد. خدا را شکر می کشم که پسر بزرگم برخلاف شوهرم آدم حساسی شد. او برخلاف پدرش بود. پسرم تحصیل کرد و مسیر زندگی اش را از ما جدا کرد. برخلاف او، پسر دومم مثل پدرش شد. شوهرم وقتی دید پسر بزرگش با اوتفاوت است، دومین پسرمان را خودش تربیت کرد. البته وحید از کودکی عصبی بود. خیلی ها به من می گفتند او مشکلات روانی دارد و باید تحت درمان قرار بگیرد. وقتی شوهرم این را شنید، با همه آن ها درگیر شد؛ به طوری که دیگر کسی جرئت نکرد بگوید وحید دیوانه است.

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند از او شکایت کنند. همه می گویند وحید کارت قرمزی

است. یکی از همسایه ها به من گفت که در عالم همسایگی پسر را نصیحت کن.

در این سال ها بارها خواستم خانه ام را به خاطر شما بفروشم، اما مشتری ها

را به

پسرم یا جای پای پدرش گذاشت

زن در ادامه ادعا کرد: پس از مرگ شوهرم، وحید فکر می کرد جانشین پدرش است، او حتی با برادر بزرگش طوری رفتار کرد که

پسر ارشدم به خانه ما نیاید. از همسایه ها هم رهرچشم گرفت و چندین بار دعوا و

مرافعه راه انداخت، اما هیچ کدام از همسایه ها جرئت نمی کنند